

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران  
سه شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۱ - جمادی الثانی ۱۴۴۴ - ۳ ژانویه ۲۰۲۳ - شماره ۲۰۹۷ - سال هفتم  
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفیت ۶۷۴  
www.hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli  
سردبیر: فضل‌الله باری  
چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱  
نشانی: تهران - میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی - کوچه مهر - پلاک ۶ - طبقه اول - واحد ۳  
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

## میراث

### کلیسای وانک؛ موزه‌ای پر از رنگ و هنر



ساخت کلیسای وانک در سال ۱۶۵۵ میلادی در زمان شاه عباس دوم آغاز شد. پس از ۹ سال کاشی‌کاری‌ها و ظرفی‌کاری‌های این کلیسا به اتمام رسید. سپس کتیبه‌ای با کاشی‌های لاجوردی بر سردر ورودی غربی کلیسا نصب شد که با خط طلائی، تاریخ ساخت و اتمام بنا روی آن درج شد. روی این کتیبه نوشته شده است: کلیسای وانک، در سال ۱۶۵۵ میلادی هم‌زمان با پادشاهی شاه عباس دوم و جاثلیقی «فیلیپس» و خلیفه پیشوا «دوبود» با کمک مردم خیر جلفا آغاز شد و در سال ۱۶۶۴ میلادی به پایان رسید تا ثواب عباداتی که در این کلیسا انجام می‌شود، نصیب آن‌هایی که زنده‌اند یا درگذشته‌اند شود. به حیاط بزرگ کلیسای وانک که قدم می‌گذارد، چهار ستون سنگی استوار را می‌بینید که روی آن نقاشی‌های زیبا و بزرگی قرار گرفته‌اند. در این حیاط زیبا و مزین، چندین مقبره به بینندگان بی‌شک توجه شما را جلب خواهد کرد. خاجاطور کسارتسی به همراه خانواده‌اش در این حیاط آرام گرفته‌اند. خاجاطور کسارتسی اسقف اعظم ارمنه اصفهان بود و به شدت در میان مسیحیان ایرانی محبوب بود. خاجاطور اولین کسی بود که صنعت انتقشارت را در ایران راه‌اندازی کرد. تندیس‌ای از وی در دوره‌ی موزه کلیسای وانک ساخته شده و آرامگاه وی، اولین چیزی است که در بدو ورود به کلیسای وانک، جلب توجه می‌کند. از آن جایی که کلیسای وانک در عصر صفویه ساخته شده، گنبد این کلیسا مشابه گنبد مساجد آن دوره ساخته شده است. به داخل کلیسا که می‌روید، برای لخله‌ای از این همه نقش و نگار شگفت زده خواهید ماند. داخل گنبد به زیبایی تمام با رنگ روغن نقاشی شده و تصاویری با مضامین انجیل مقدس، کشیده شده است. نقش و نگارهای این کلیسا، فقط در گنبد آن خلاصه نشده است.

## حافظه تاریخی

### نشست «گودالوپ» و پیامدهای آن

### روزی که جهان فهمید کار «شاه» تمام است



نشست گودالوپ جلسه‌ای بود که از ۱۴ تا ۱۷ دی ۱۳۵۷، میان رؤسای دولت چهار قدرت اصلی بلوک غرب یعنی آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی در جزیره گودالوپ برگزار شد و یکی از موضوعات اصلی آن بررسی وضعیت بحرانی ایران در آخرین روزهای پیش از انقلاب اسلامی بود. گودالوپ جزیره‌ای کوچک در شرق دریای کارائیب و غرب اقیانوس اطلس بود که در اواخر قرن ۱۵ میلادی توسط کریستوف کلمب کشف شد و از اوایل قرن ۱۹ میلادی جزو مستعمرات فرانسه شد. این جزیره زمانی به محل گفت‌وگوها در مورد مسائل ایران بدل شد. اوایل دی ۱۳۵۷، والرئ ژیسکار دسستن، رئیس جمهور فرانسه از سران دولت‌های آمریکا، انگلستان و آلمان درخواست کرد به گودالوپ سفر کنند تا به طور غیررسمی راجع به بحران‌های بین‌المللی آن زمان مانند کودتای کمونیست‌ها در افغانستان، خشونت‌های فزاینده نژادی در آفریقا جنوبی، اشغال نظامی کامبوج توسط ارتش ویتنام و مهم‌تر از همه آن‌ها، انقلاب اسلامی ایران یا یکدیگر تبادل نظر کنند. ژیسکار دسستن که کشورش در آن زمان میزبان رهبر انقلاب بود در خاطرات خود می‌گوید که «هنوز باور نداشتم که کار شاه به پایان رسیده است.» روز ۱۴ دی ۱۳۵۷ برابر با ۴ ژانویه ۱۹۷۹، سران کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا و آلمان وارد گودالوپ شدند و زیر آلاچیق کنار دریا راجع به مسائل ایران گپ زدند. ابتدا نخست‌وزیر انگلیس، جیمز کالاهان اعلام کرد که شاه از دست رفته و باید یک قدرت انتقالی پیدا کرد، اما ژیسکار دسستن روی خطر شوروی تأکید کرد و گفت که «باید شاه را نگه داشت.» وی می‌خواست روی کارت حسان باز کند، اما کارتر هم که به خاطر بی اعتمادی به ویلیام سالیوان، سفیر آمریکا در ایران، فرستاده ویژه‌اش ژنرال‌هایمز را برای بررسی اوضاع به تهران فرستاده بود گفت که «شاه دیگر قادر به ماندن و ادامه حکومت نیست؛ زیرا مردم ایران به هیچ وجه خواهان حکومت وی نیستند.»

به گفته یکی از وزرای محمدرضاشاه، در این جلسه ژیسکار دسستن این نظریه را مطرح کرده بود که «بهتر است شاه هر چه سریع‌تر ایران را ترک کند» و جیمی کارتر بعدها در خاطراتش نوشته بود که «وی در آن جلسه حمایت بسیار کمی از شاه و از رؤسای سسه دولت دیگر مشاهده کرده و همگی آن‌ها متفق‌القول بوده‌اند که شاه باید در سرسرچین‌ترین زمان ممکن از ایران خارج شود.» ویلیام شو کراس هم از خاطرات روزالین کارتر نقل می‌کند که «اشمیت و کالاهان در این جلسه بر موقعیت بسیار ضعیف شاه تأکید داشته‌اند.» ژیسکار دسستن اما در مصاحبه با روزنامه توس در سال ۱۳۷۷ گفته بود که «تنها کشوری که در این جلسه زنگ خاتمه حکومت شاه را به صدا درآورد نماینده آمریکا بود و معتقد بود وقت تغییر حکومت ایران است، به‌طوری که همه ما متحیر و متعجب شدیم. چون تا آنجا که ما مطلع بودیم آمریکا پشتیبان حکومت وقت ایران بود.» به گفته وی، جیمی کارتر در این جلسه اصرار داشت که هیچ امیدی به بقای حکومت شاه نیست و از این حکومت حمایت نخواهد کرد و تیمت از اوایل یک حکومت نظامی را می‌داد و نخست‌وزیر انگلیس نیز با کارتر در مورد لزوم خروج شاه از ایران هم عقیده بود، ولی وی و هلموت اشمیت به یک تحول صلح‌آمیز امید داشته و از نظریه آمریکایی‌ها غافلگیر شده بودند. سران کشورهای آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه پس از سه روز گفت‌وگو و مشورت راجع به تحولات ایران به این نتیجه رسیدند که باقی ماندن شاه سبب تداوم بحران خواهد بود. کارتر به توصیه ژیسکار دسستن و همچنین همراهان خود از جمله سالیروس و نس، وزیر خارجه و برژیتسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا امیدوار بود که ایت‌الله خمینی را به وضعیتی میان سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب اسلامی متقاعد سازد؛ یعنی دولت بختیار. یک روز پس از پایان اجلاس در ۱۸ دی ماه، پیغام کارتر به طور غیرمستقیم و توسط دو تن از مقامات فرانسوی به اطلاع رهبر انقلاب رسید. ویدر این پیام خواسته بود تمام نیروی خویش را جهت جلوگیری از مخالفت مردم علیه بختیار به کار بندد و سپس تهدید کرد که تهاجم به بختیار به مثابه قمار است که تلفات فراوان بر جای خواهد گذاشت و وخامت اوضاع به مداخله ارتش خواهد انجامید. ایت‌الله در پاسخ درخواست کارتر را قاطعانه رد کردند و دولت بختیار را به عنوان میراث سلسله پهلوی فاقد مشروعیت دانستند.

## داستان‌ها



فیض شریفی  
داستان‌نویس

آره، شاید حق با تو باشد، زندگی بدتر و تخی‌تر از آن بود که ما فکر می‌کردیم. من فکر می‌کنم همه‌جا همین‌جوری باید باشد، هر کجا که همه چیز راست و ریس است و همه آموزش روتین و مطابق نظم می‌گذرد زندگی سخت می‌شود، تکراری و مثل هم می‌گذرد، این‌جا این‌جوری نیست، چندماه باران نمی‌آید، اما یک دفعه تگرگ می‌آید، سبیل می‌آید، چندماه همه چیز روی روال است، ولی یک دفعه جایی می‌رمبد، جایی خراب می‌شود، متروپ می‌شود یا جایی آتش می‌گیرد و چند نفر غزل خداحافظی می‌خوانند و مدتی اخبار می‌آید و هر کس درساره آن چیزی می‌گوید، واقعیت، آنجا، انگلیس، فرانسه و آلمان را می‌گویم، واقعیت، خیلی سخت و سمج می‌شود، احساسات کم است، پیدا کردن کسی که بتوان با او درد دل کرد، اصلا پیدا نمی‌شود، گشته‌ایم ما، در اینجا می‌توانی سلمانی بروی و با محسن یک ساعت حرف بزنی، می‌توانی بروی سر خیابان با صاحب دکه، مهدی، خیلی شوخی کنی، می‌توانی به پارک بروی و با پیرمردها شطرنج یا پینگ‌پنگ یا پاسور بازی کنی، شوخی کنی، یک نفرشان دیروز هر کجا می‌رفتم می‌آمد، هرچه می‌گفتم می‌گفت:

## نقد و نظر



امیر اسگاری  
منتقد ادبی

مجموعه داستان «گارد ریل» نوشته فریده آقاسی‌پور مجموعه‌ای از ۱۰ داستان کوتاه، اثری از نویسنده جوان فریده آقاسی‌پور است که به پدر و خواهر از دست رفته‌اش پیشکش کرده و در سال ۱۴۰۱ توسط نشر «هرمز» به چاپ رسیده و اولین اثر داستانی این نویسنده است. باید اشاره کنم نشانه‌هایی از یک داستان‌نویس باتجربه و آگاه را به وضوح می‌توان دید. شگرد آقاسی‌پور در خلق فضاهای اثیری و مه‌آلود سوبیه‌های سوررئالیستی در فضاسازی داستان و ساخت تصاویری گروتسک در کنار طنزی تلخ، که سیلان ذهن سرشار نویسنده به یاری‌اش آمده تا روایت خویش را ترسیم کند. بانو آقاسی‌پور در خلال روایت با هوشمندی ضمیر شخصی را در خدمت قلم خویش گرفته تا ذهن کنج‌گاو خواننده خویش را به بازی بگیرد. درداستان «گاهی سیگار» می‌گوید: «پایش را گرفت اما دود شد و به هوا رفت، تاول‌های دستش را با ناخن به صورت خراشید و هم‌زمان سیگار خاموش از دست بابابزرگ افتاد.» «دودیپ اتاق را تارک کرد، سرفه‌هایش ممتد شدند، هم‌زادش کف دست‌هایش را حنا مالاد.» نویسنده در ضمن روایت خویش تکنیک و لایبرنت‌ها و لایه‌های هزارویک شی را شگرد دارد و در خلال حضور کاراکتر مختلف زمان و مکان را به چالش کشیده تا خواننده را غافلگیر کند، آقاسی‌پور در داستان «سیاتر از سکه» سنت سکه انداختن بر مرده را در طنزی ملیح به نقد می‌کشد: «... آسمان آبی بود، آبی‌تر از همیش، بارانی از سکه می‌بارید روی ندان‌های زرد، جیب وصله‌دار و دمیایی پلاستیکی‌اش.» نویسنده ضمن نتیجه‌گیری اخلاقی در پایان‌بندی داستانش، به نماد و نشانه‌ای فرهنگی اشاره دارد که همان مرده‌پرستی و غیاب عشق‌ورزی است هنگام در کنار

## بی‌پیر

«درست است.» چند بار خداحافظی کردم، ولی باز می‌دیدم پشت سرم می‌آید، رفته میوه‌فروشی دیدم سر کوچه میدان معلم، زاغ سیاه مرا چوب می‌زد، رفته داروخانه قرص سرماخوردگی بخرم، زیر پل پشت ستون ایستاده بوده رفته نانواپی کنار باغ اناری، آمد کنار منبع آب نشست. عاصی شده بودم، فکر کنم دنبال خانه من می‌گشت. آخر قالش گذاشتم، فکر نمی‌کرد به آژانس هواپیمایی گیشا بروم، از کنار آن رد شد، پشت نارنج‌ها ایستاده بود و حاج و واج نگاه می‌کرد. آدم منزل، فکر کنم خودش بود، تمام رنگ‌ها را زده بود، آیفون را خاموش کردم. می‌بینی که اینجا پر از سبوزه است، آنجا سبوزه کم پیدا می‌شود. اینجا یک دفعه ده‌ها برج بالا می‌رود و چندین هزار خانه و باغ با خاک یکسان می‌شود، از یک خیابان می‌گذری سبوی دام‌داری و پشکل می‌آید، از جای دیگری بوی دود و کنسرد می‌آید، می‌آیی کمی بالاتر بوی گل‌گل، بالاتر بوی کافور می‌آید. اینجا انار فراوان است، آب انار فراوان است. خرماولهای له شده، آدم‌های مهربان، آدم‌های له شده فراوان است. آنجا هم این چیزها هست، کم و زیاد هست دیگر. اصرار نکن که به لندن بیایم، آن دفعه که آدم خیلی به من بد گذشت، هر جا توی صف بودم، جوان‌ها جایشان را به من می‌دادند، وقتی از سوپر بیرون می‌آمدم کمک می‌کردند و زود مرا به خانه می‌رساندند، دخترها و پسرها خیلی سلام می‌کردند.

### بر بال‌های جنون و ذهن سیال

هم بودن. در این روایت سنت‌نمادین بارش سکه بر جنازه‌ای که بر زمین مانده که شاید در زمان حیاتش، تنابنده‌ای به او توجهی نداشت، و هر کجا با تپایی محکم‌تر به گوشه‌های پرتاب می‌شد، واگویی‌های از تاریخ شورمندان ما که می‌گوید: نوشداروی پس از مرگ سهراب را باورساختیرو نوشداروی پس از مرگ برسر سهراب مرده گریستن. در شاهنامه، دو دهمان رستم را برمی‌اندازد، مرمانی با او هم‌دست می‌شوند و شگفتا که هم اینان بر سر رستم موزه می‌کنند! در داستان «گاهی سیگار» هم نویسنده، ما را سامری فراواقع و حالتی از گروتسک و وحشت‌های غیرعادی، مواجه می‌کند، روایت‌های بابازرگی که بیپ می‌کشید و گاه سیگار هم: «صدای گریه کودک آمد برخاست او را در آغوش گرفت و پای تاول‌زده‌اش را نوازش کرد. کم‌کم لایبی کشار تبدیل شد، کودک از آغوش جدا شده بود و به سوی شومینه می‌رفت. پایش را گرفت اما دود شد و از لوله بخاری به هوا رفت. تاول‌های دستش را با ناخن به صورت خراشید و هم‌زمان سیگار خاموش از دست بابابزرگ افتاد. به سرفه افتاد.» شگرد و تکنیک ایفای نقش به حیوانات و اشیا، در شبیه‌سازی انسان، در ادبیات و سینما گریزگاه آشنایی است و تمثیلی برای عبور از ممیزی‌ها در انسداد ادبی و اجتماعی، که استعاره‌ای از جامعه انسانی است. ما در داستان «گارد ریل» نقش و حضور حیوانات را می‌بینیم که هویت و کارکردی انسانی دارند و در روایت «قوری مهری خانم» هم این‌دند کاراکتر به اشیا، داده شده و در رویکردی شاعرانه، هم نویسنده خواسته از ظرفیت‌های پدیده‌ها آشنایی زدایی کند و به اشیا و پدیده‌های پیرامون، جان ببخشد و کارکردی انسانی را به آن‌ها بدهد: «اشکی از دانه‌اش روی سر فلاسک سفیدوگل طلائی چکید. فلاسک، پشت پلکی نازک کرد و گفت «دوکولم از مادردعروس...» نویسنندگان

## روزنامه‌نگاری

ایستاده سفینه‌ای بر خشک بجرهای روان در آن بسیار هم از اوراق کاغذش الواح همش از نوک کلک‌ها سمسار کشتی‌ای لنگرش ز عقده عهد بادبان‌ش ز همت آجرار از لطایف سکنینه ارواح وز غرایب جهینه اخبار کشتی‌ای مملو از عجایب بحر بحرهای به طبع گوهریار از لطافت بمانده بر سر آب آبش از بحر سینه ابرار

## منتقدان

**کلان‌پایه:** کلان‌پایه، ستون‌های بلندی هستند که بر زیر سازه و پیکره‌های گوناگون سوار می‌شوند تا آن‌ها را استوار سازند. کلان‌پایه‌ها همچنین می‌توانند زیر پایه‌های دیگر نیز نصب شوند.

## مجاز‌نشان

وضعیت طوری شده که چهار قلم خوراکی می‌خوری موقع فیلم دیدن بخوری از بوجه خود فیلم بیشتر تموم می‌ش.

به شاگردم می‌گم این درس‌رو بارها تکرار کردم، چرا بلد نیستی؟ می‌گه «وضع خیلی خرابه (ممرض)»

تو به سنی دوس داری یسه کارایی کنی که متاسفانه تو موقعیتش یا تو اون گروه آدم نیستی. وقتی بزرگ‌تر می‌شی دیگه نمی‌خوای انجام بدی ولی وقتی دوباره می‌بینی که کوچک‌تر از خودت. داره انجامش می‌ده، انگار یه چیزی خالیه درونت. بد غصه‌ت می‌گیره.

وضعیت ن این جوریه که اصن آدم نمی‌فهمه تنش قطعه، سایته فیلتره، تحریمه، داونه، اکانت ایرانیا رو بستن، فیلتر شکنه ... یا چی.

(Mojoozende)

## نگار

### «اسپیس ایکس» رکورد خود را

شرکت «اسپیس ایکس» موفق شده است که رکورد پرتاب موشک خود را در سال ۲۰۲۲ بشکند و برای سال ۲۰۲۳ نیز برنامه‌های جدیدی دارد. وقتی صحبت از پرتاب موشک‌های «اسپیس ایکس» به میان می‌آید، سال ۲۰۲۲ شلوغ‌ترین سال بوده است.

برای مثال، در سال ۲۰۲۰، این شرکت تجاری فضای به رهبری «ایلان ماسک» در مجموع به ۲۶ پرتاب دست یافت؛ در حالی که سال گذشته ۳۱ موشک را به فضا فرستاد که شامل موشک قابل اعتماد «فالکون ۹» بود. اسپیس ایکس هم این ماموریت‌ها از موشک فالکون ۹ استفاده شد؛ به جز پرتاب ماه نوامبر که در آن از موشک قوی‌تر «فالکون هوی» برای استقرار دو ماهواره نیروی فضایی آمریکا به کار رفت.

این شرکت مستقر در کالیفرنیا از نخستین پرواز به «ایستگاه فضایی بین‌المللی» (ISS) در سال ۲۰۱۲ که در آن تنها دو پرتاب انجام داد، به وضوح راهی طولانی را پیموده است. اسپیس ایکس علاوه بر استقرار ماهواره‌های متعدد در مدار پایین زمین برای طیف گسترده‌ای از مشتریان، پروازهای منظم سرنشین‌دار به از ایستگاه فضایی بین‌المللی را در سال ۲۰۲۲ آغاز کرد و ناسا را قادر ساخت تا فضاوردان خود را برای نخستین بار از زمان برنامه شاتل فضایی که در سال ۲۰۱۱ به پایان رسید، از خاک آمریکا به فضا بفرستد.

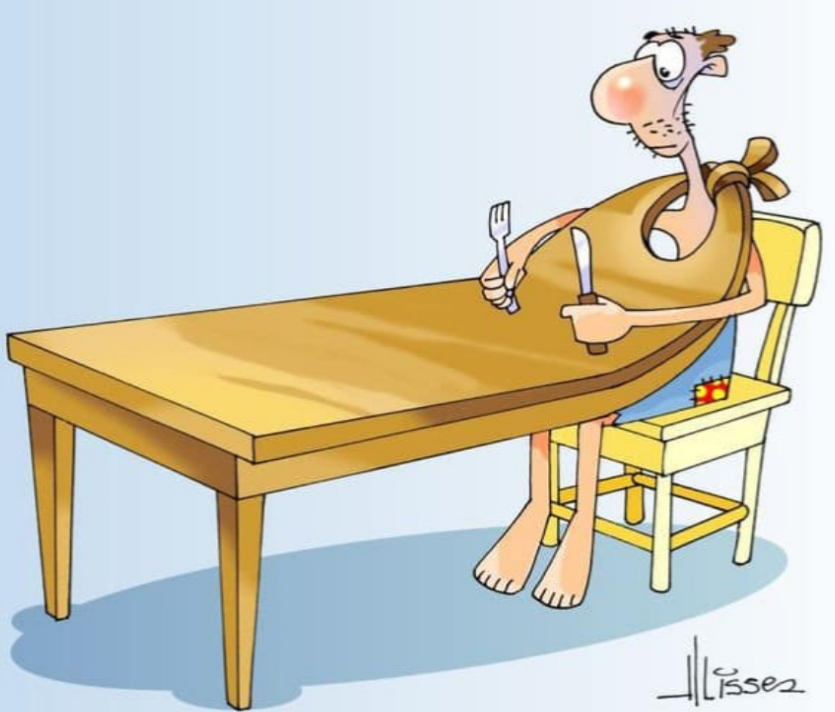
بخشی از دلایلی که اسپیس ایکس توانسته فرانس پرتاب خود را افزایش دهد، به طراحی فالکون ۹ مربوط می‌شود که فرود مرحله نخست را امکان‌پذیر می‌کند تا بتواند به راحتی برای ماموریت‌های متعدد مستقر شود. این کار به اسپیس ایکس امکان می‌دهد تا به جای ساختن چندین تقویت‌کننده یکبار مصرف با هزینه زیاد، بر نوسازی ناوگان کوچکی از موشک‌ها تمرکز کند. اسپیس ایکس تا به امروز به ۱۹۸ پرتاب موشک، ۱۵۹ فرود تقویت‌کننده و ۱۳ پرواز مجدد دست یافته است. با توجه به این که مشتریان بیشتری به دنبال ارسال ماهواره‌های کوچک به مدار هستند و اسپیس ایکس نیز از سخت‌افزار پروازهای فضایی خود برای استقرار تعداد زیادی از ماهواره‌های اینترنتی «استارلینک» خود استفاده می‌کند، به نظر می‌رسد که سال ۲۰۲۳ سال شلوغ‌تری برای اسپیس ایکس باشد.

با نگاهی به آینده، اسپیس ایکس برای نخستین پرواز نسل بعدی موشک «سوپر هوی» (Super Heavy) و فضایی‌های «ستارشپ» (Starship) خود آماده می‌شود.

نسخه‌ای از استارشپ قرار است تنها چند سال دیگر در ماموریت «آرتمیس ۳» (Artemis III) ناسا، نخستین زن و نخستین شخص رنگین‌پوست را روی سطح ماه فرود آورد و حتی بتواند نخستین فضاوردان را به مریخ برساند. استارشپ قرار است مسافران را در نخستین ماموریت کاملاً غیرنظامی به ماه ببرد.

این سفر برای سال ۲۰۲۳ برنامه‌ریزی شده است اما تاخیر در آزمایش موشک‌های سوپر هوی و استارشپ بدین معناست که اسپیس ایکس احتمالاً آن تاریخ را از دست خواهد داد.

## دریچه



Hamdeli